

ملزومات استفاده از تسلیحات هسته‌ای بر مبنای ادله حرمت

میترا حاجیان^۱

چکیده

رسالت دین مبین اسلام، تأمین سعادت دنیوی، اخروی و آرامش انسان می‌باشد. رسیدن به این هدف الزاماتی دارد؛ از جمله آنها پذیرش صلح و امنیت در روابط اجتماعی و بین‌المللی بعنوان اصل اولیه است. پذیرش این اصل بدان معنا است که هر عامل برهم زننده صلح ممنوع می‌شود. در این میان عوامل مختلفی می‌تواند امنیت انسان‌ها را به مخاطره بیندازد که تولید، انباشت و استفاده از تسلیحات هسته‌ای با توجه به آثار و خطرات فراوانش به صورت جدی مورد توجه همگان قرار گرفته است. سوال این است که با توجه به ادله مختلف شرعی حکم فقهی تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای چیست؟ یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که هر فعالیتی پیرامون این تسلیحات نه تنها با تفکرات اسلامی ناسازگار است، بلکه رفتاری غیرعقلانی و فاقد منافع احتمالی است. از نظر منابع فقهی، تولید، انباشت و استفاده از این نوع سلاح‌ها هیچ توجیهی جزء بازدارندگی ندارد؛ و این در حالی است که سلاح‌های هسته‌ای امروزه نقش دیگری غیر از بازدارندگی پیدا کرده‌اند و زمینه برهم زدن صلح و امنیت جهانی را به دنبال دارند.

واژگان کلیدی: سلاح‌های هسته‌ای، حکم شرعی، صلح و امنیت، منفعت جمعی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

صلح و آرامش از اموری است که فطرت پاک و غیرآلوده انسان همیشه آن را دنبال می‌کند. در مقابل، باید گفت که جنگ و خونریزی با فطرت اولیه انسان ناسازگار است؛ هرچند در مواردی گریزی از جنگ نیست و عقل و دین در شرایط خاصی جهاد ابتدایی و دفاعی را صحیح و لازم می‌دانند. در جهاد دفاعی بحث بر سر جنگ‌طلبی نیست، بلکه هدف از آن مبارزه با جنگ و جنگ‌طلبان، دفاع از دین و وطن و خانواده بوده که امری فطری و از اهداف غایی جهاد در اسلام است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَيْنَهُمْ ظُلُمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۹).

از مواردی که باید در جنگ‌ها بر روی آن تأمل شود بکار گرفتن تسلیحات هسته‌ای است؛ زیرا این تسلیحات از طرفی غیرنظامیان را هدف قرار داده و از سوی دیگر باعث نابودی گیاهان و جانداران منطقه می‌شود؛ همچنین استفاده از این نوع سلاح‌ها باعث ایجاد اختلال‌های ژنتیکی شده و نسل‌های آینده را نیز تهدید به مرگ می‌کند. بمب اتم در بردارنده آثاری چون تبخیر شدید، تخریب شدید، آسیب شدید انفجاری، آسیب شدید با آتش و تأثیر مخرب بر نسل‌های بعدی است. این سلاح‌ها که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آنها یاد می‌شود در مقابل سلاح‌هایی قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم هستند و معادل سلاح‌های کشتار جمعی در زبان فارسی، ش.م.ه (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) می‌باشند (ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۰).

۱۳۴ قدرت دفاعی و نظامی از مهمترین مولفه‌های هر کشوری است که بخواهد در عرصه داخلی به پیشرفت و توسعه دست یابد. براساس اعلام موسسه صلح استکهلم، عربستان در سال ۲۰۱۳ میلادی چهارمین کشوری بوده که بیشترین بودجه را به بخش نظامی خود اختصاص داده است. هزینه ۶۷ میلیارد دلاری در بخش نظامی بدان معنی است که عربستان در اختصاص بودجه برای امور نظامی کشورهایی همچون فرانسه، بریتانیا و ژاپن را پشت سر گذاشته است. با این همه، جهانیان هرگز از کشورهای عربی بعنوان قدرت منطقه یاد نمی‌کنند و هر زمان نیز سخنی از شرایط دفاعی منطقه به میان می‌آید این نام ایران است که مطرح می‌شود. در حقیقت این روحیه جهادی نظامیان و خودکفایی علمی و صنعتی در تولید تسلیحات است که موجب برتری نظامی می‌شود (غفوری، ۱۳۹۳).

سلاح هسته‌ای که مهمترین مصداقش بمب هسته‌ای است فقط یک سلاح کشتار جمعی نیست؛ بلکه این ابزار علاوه بر خصوصیت کشتار جمعی دارای آثار مخرب دیگری نیز می‌باشد. سوال مطرح در این پژوهش مربوط به دلایل حرمت تولید، انباشت و استفاده از تسلیحات هسته‌ای است که مسئله استفاده، بحث مهمتر و بیشتری را به خود اختصاص داده است. استفاده از تسلیحات هسته‌ای به دو جهت مورد توجه و کنکاش علمی محققان فقهی و حقوقی قرار گرفته است:

الف) محدود کردن زمینه برای تولید و انباشت این نوع تسلیحات: اگر استفاده از تسلیحات کشتار جمعی ممنوع و حرام باشد، دلیلی بر تولید نیز وجود ندارد؛ زیرا تولید به منظور مصرف و استفاده است؛ مگر اینکه تولید جنبه بازدارندگی داشته باشد که احراز این جنبه نیز منوط به نظر کارشناسان متخصص در این موضوع است. بنابر گفته مقام معظم رهبری، ایران اسلامی هرگز به دنبال ساخت سلاح اتمی نبوده و نیست؛ زیرا برای پیروزی بر دشمنان نیازی به اینگونه وسایل ندارد و همچون ۲۵ سال اخیر با تکیه بر عزم و ایمان و آگاهی و اتحاد ملت، دشمنان ایران از جمله آمریکا را شکست خواهد داد. رژیم صهیونیستی با دارا بودن صدها کلاهک هسته‌ای اکنون در برابر فلسطینی‌های مومن و سنگ به دست، درمانده است؛ زیرا سلاح اتمی در صحنه‌های عظیم و اساسی، پیروزی به دنبال نمی‌آورد (farsi.khamenei.ir).

ب) سرسام‌آور بودن هزینه‌های تولید: برای تولید یک بمب اتم هزینه‌های گزافی مصرف می‌شود که قابل مقایسه با دیگر سلاح‌ها نیست. علاوه بر کارخانه‌ها و مواد مورد استفاده، نیروهای انسانی با ساعات کاری بالا در خدمت تولید این سلاح کشنده قرار می‌گیرد که توجیه‌سازی آن یک ضرورت است.

پیشینه پژوهش

در تاریخ فقه شیعه، سلاح‌های کشتار جمعی موجود در جنگ‌ها شامل ریختن سم در منابع آبی دشمن، شکستن سد برای غرق منطقه دشمنان، پرتاب آتش با منجنیق، بستن آب به روی دشمن و غیره بود که در ۱۳۵ بیشتر موارد با فتوای حرمت روبرو بوده‌اند. مهم‌ترین حرکت در دوره اخیر، فتوای مقام معظم رهبری در رابطه با حرمت تسلیحات کشتار جمعی بطور مطلق بود که فرمودند: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی مانند سلاح شیمیایی و میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این نوع سلاح‌ها را درک می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد؛ ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم» (farsi.khamenei.ir).

این فتوا نقطه عطفی در این موضوع بود که باعث شد گروه‌های مختلفی از محققین و فقهای معاصر فارغ از بحث‌های سیاسی به بعد فقهی این مسئله متوجه شده و به تبع در فقه، برای تنقیح مبانی اعلام شده و همچنین یافتن سایر مبانی این فتوا بپردازند. از بین آنها می‌توان به برخی از فقهای مجلس خبرگان اشاره کرد. مهم‌ترین تلاش‌ها در این مورد، تحقیقات جمعی موسسه فقهی اهل بیت قم به ریاست آیت‌اله محمد جواد فاضل لنکرانی است. به مرور زمان، این موسسه با همکاری برخی ارگان‌ها و موسسات مانند سازمان

انرژی اتمی ایران، همایش هسته‌ای در قم را برگزار کرد. در این همایش نزدیک به چهل مقاله پذیرفته شد. اکنون این مقاله‌ها به دلیل حساس بودن موضوع، در دست ارزیابی هستند.

یکی از حقوقدانان نیز در مقاله خود تحت عنوان «ممنوعیت تولید سلاح هسته‌ای براساس مذهب شیعه» به حکم تولید تسلیحات هسته‌ای پرداخته است. محقق در این مقاله تلاش می‌کند با توجه به منابع فقهی شیعه به این مسئله بپردازد که آیا تولید بمب اتم حرام است یا خیر؟ جمع‌بندی و تحقیقات پژوهشگر، گویای این است که جمهوری اسلامی ایران براساس دیدگاه فقهی خویش به اسناد بین‌المللی و تعهدات خویش متعهد است و در پرتو منابع فقهی، دلیلی بر تولید سلاح هسته‌ای وجود ندارد؛ بنابراین تولید بمب اتم از منظر فقهی مشمول حکم حرمت است (راعی، ۱۳۹۳). در استفتائات بسیاری از مراجع تقلید معاصر نیز از جمله آیت‌اله ناصر مکارم شیرازی، استفاده از تسلیحات کشتار جمعی مشمول حکم حرمت است. ایشان با اشاره به فتوای رهبر انقلاب اسلامی در خصوص حرام دانستن استفاده از تسلیحات اتمی و هسته‌ای می‌فرمایند: «تنها نظر ایشان نیست، بلکه تمام علمای اسلام اعم از شیعه و اهل تسنن و فرق اسلامی در این مورد اتفاق نظر دارند و سلاح کشتار جمعی از نظر اسلام، ممنوع و مطرود است. گاهی سیاستمداران غربی تصور می‌کنند این سخن، پیام سیاسی است اما خلاف می‌گویند. حکم و دستور اسلام این است که هرچه سبب کشتار جمعی شود باید جدا از آن دوری کرد. این پیام اسلام از آغاز ظهورش تاکنون بوده و خواهد بود» (makarem.ir).

ادله جواز و حرمت

روشن است که در زمان نزول قرآن و عصر زندگی معصومین (ع)، خبری از سلاح‌های هسته‌ای نبوده است تا موضع خاص اسلام در مقابل استفاده از آنها مشخص شود؛ اما عموماً از قرآن کریم وجود دارد که موافقین و مخالفین، مدعی شمول آنها نسبت به این تسلیحات بوده و همچنین نمونه‌هایی از رفتار جنگی در عصر معصومین (ع) جریان داشته که از جهات مختلف با سلاح‌های هسته‌ای مشابهت داشته‌اند؛ بنابراین می‌توان با اخذ مناط قطعیه، حکم آنها را به سلاح‌های هسته‌ای نیز تعمیم داد. مانند: مسموم کردن مناطق استقراری دشمن، آتش زدن درختان و مزارع و خانه‌ها، آب بستن بر روی دشمن جهت غرق کردن آنها، قتل غیرنظامیان مانند زنان، کودکان، سالخورده‌گان و غیره.

در این بین رسول خدا (ص) و ائمه (ع) به نوعی در مقابل هریک از اینها موضع گرفته که با ملاحظه مجموع این ادله و همچنین دلایل عقلی، می‌توان به اظهار نظر نسبت به این بحث پرداخت. در اینجا براساس سنت فقهی، ابتدا ادله جواز و سپس ادله حرمت در سه ساحت استفاده و پس از آن تولید و انباشت آورده می‌شود. لازم به ذکر است از میان ادله اربعه، اجماع موضوعاً منتفی است؛ زیرا این مسئله از مسائل مستحدثه بوده و سابقه‌ای در فقه ندارد.

ادله جواز

دلایلی که برای حلیت این تسلیحات آورده شده است بیشتر، همان عمومات کتاب و سنت می‌باشد. عموماتی که به سادگی با ادله حرمت تخصیص و تقیید خورده و از دلایلیت این مسأله می‌کاهد. این عمومات خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- دسته اول

آیاتی که دلالت دارد بر اینکه لازم است مسلمانان قدرت دفاعی و نظامی خود را تقویت کنند. این آیات با عمومیت و اطلاق خویش، حکم به وجوب یا اباحه تولید سلاح‌های اتمی دارند. در اینجا سه آیه بر این مدعا آورده شده است.

آیه اول: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال، ۶۰).

این آیه شریفه، هدف از لزوم تقویت دفاعی و جنگی مسلمانان را ارهاب دشمنان خدا و دشمنان مسلمین و کسانی که عداوت پنهان و غیر آشکار دارند قرار داده است. از این قسمت آیه استفاده می‌شود که اصل ارهاب، یکی از اصولی است که مسلمانان و به خصوص حاکم اسلامی باید به آن توجه داشته باشند؛ زیرا اسلام می‌خواهد تا حد ممکن از جنگ و خونریزی جلوگیری کرده و یکی از لوازم این هدف این است که مسلمانان ۱۳۷ به قدری قدرت داشته باشند که کفار، جرأت حمله به آنها را نداشته باشند. در نتیجه از این آیه شریفه و اطلاق آن استفاده می‌شود که تولید سلاح اتمی حتی اگر دشمن نیز فاقد چنین سلاحی باشد، به جهت تقویت نیروی دفاعی و جنگی مسلمانان جایز و بلکه لازم است و در این صورت بطور طبیعی، انباشت آن نیز جایز خواهد بود.

رد استدلال: اصل مسئله بازدارندگی مورد پذیرش اسلام است؛ اما در مورد بازدارندگی هسته‌ای، آن هم اگر منجر به نقض غرض شود، مسئله متفاوت است؛ زیرا امروزه مشاهده می‌شود که این سلاح‌ها هرگز توانایی بازدارندگی نداشته‌اند. شاهد آن هم تقابل نظامی رژیم اشغالگر قدس در جنگ‌های ۲۲ و ۳۳ روزه با جریان مقاومت در منطقه بود که نه تنها برخورداری اسرائیل از سلاح هسته‌ای مانع جنگ نشد، بلکه این رژیم با شکست هم روبرو شد.

آیه دوم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً» (نساء، ۷۱).

در این آیه خداوند متعال خطاب به مومنین فرموده است: حذر خودتان را اخذ نمائید و به صورت گروه گروه و یا مجموعه نفر و کوچ کنید. در مورد کلمه حذر سه احتمال وجود دارد. اول آنکه حذر به معنای اجتناب از

دشمن است که تنها وسیله اجتناب نیز مسلح بودن آنهاست. دوم آنکه حذر به معنای سلاح و اسلحه است؛ در روایتی امام باقر (ع) حذر را به سلاح تفسیر کرده‌اند. احتمال آخر اینکه حذر به معنای آمادگی است، بدون نظر به اسلحه (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۱۱-۱۲)، اما احتمالی که مورد قبول بیشتر مفسرین است، همان معنای اسلحه می‌باشد که دارای پشتوانه روایی نیز می‌باشد. در نتیجه این آیه شریفه در مقام بیان این مطلب است که مسلمانان برای مقابله با کفار، باید خود را به همه انواع سلاح‌های لازم مجهز کنند؛ بنابراین اگر آنان دارای سلاح اتمی و شیمیایی هستند، مسلمانان نیز باید چنین سلاحی را دارا باشند.

می‌توان به این استدلال چنین اشکال کرد که چرا کلمه «حذر» به سلاح‌های متعارف حمل نشود تا دیگر اطلاقی نداشته باشد؟ ممکن است در رد این اشکال گفته شود که تعارف از اسباب انصراف نیست و اطلاق یک واژه، هم شامل افراد متعارف و هم غیرمتعارف می‌شود؛ به همین دلیل است که فقها مطلق را به معنای عام خود حمل می‌کنند.

در نهایت به دلیل احتمالات مختلفی که در این آیه وجود دارد، استدلال به آن برای حلیت تسلیحات کشتار جمعی باطل است؛ زیرا وقتی که در استدلالی احتمال راه پیدا کرد دیگر آن استدلال، باطل می‌شود؛ و بر فرض دلالت نیز با ادله حرمت تقیید می‌خورد.

آیه سوم: «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ» (توبه، ۵).

این آیه شریفه دلالت روشن و صریحی دارد بر اینکه مسلمانان باید به قصد قتل کفار، مدام در کمین باشند. از آنجا که تعبیر «واقعدوا لهم كل مرصد» به مراتب، قوی‌تر از تعبیر «ترهبون به عدو الله» است، بنابراین می‌توان گفت اطلاق این تعبیر شامل هر نوع سلاحی خواهد بود.

۱۳۸

۲- دسته دوم

این دسته از ادله، عمومات و اطلاقاتی هستند که دال بر وجوب یا جواز قتل و کشتار کفار و مشرکین بوده و با عموم و اطلاق خویش هر نوع قتلی از جمله قتل توسط سلاح هسته‌ای شامل می‌شوند. این ادله خود به دو دسته قابل تقسیم هستند:

الف) ادله‌ای دال بر وجوب قتل دشمن بطور مطلق، حتی در مناطق غیرجنگی. این ادله بر این معنا دلالت دارند که در مواردی لازم است کفار و مشرکان را حتی خارج از میدان نبرد به قتل رسانید. در اینجا اصل شرعیت چنین عملی را ثابت کرده و حرمت استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را رد می‌کند. این ادله عبارت است از دو آیه از قرآن، یعنی (بقره، ۱۹۱) و (توبه، ۵) که در آنها با عبارات «حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ» و «حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» تصریح شده که لازم است در هر جا که مشرکان یافت شدند، به قتل برسند.

^۱ در فقه مشهور است که: «اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال» یعنی وقتی احتمال وارد شد، استدلال باطل می‌شود.

رد استدلال: این آیات در بیان اصل وجوب قتل کفار است و به کیفیت قتل اشاره‌ای ندارد؛ همچنین ظهور در اختصاص به مردان مشرک جنگی در زمان پیامبر (ص) داشته که در صورت دلالت نیز مانند آیه پیشین با ادله حلیت تقیید می‌خورد.

ب) ادله‌ای دال بر وجوب یا جواز قتل مشرکین، کفار و اهل کتاب: این ادله با اطلاق کلمه قتل، شامل قتل با هر نوع سلاحی از جمله سلاح هسته‌ای هستند و در همه محل‌های نزاع، ثابت کننده حلیت و جواز می‌باشند. «فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخِنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا» (محمد، ۴).

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰).

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۹۳).

رد استدلال: هر چند در شمولیت این آیات بر بحث ما جای تردیدی نیست، ولی اینها نیز مانند آیات پیشین فقط عمومات و اطلاقاتی هستند که صراحت در مدعا نداشته و به سادگی قابل تخصیص و تقییدند؛ و در صورت اثبات ادله حرمت که اخص از اینهاست، ظهور خویش در عموم را از دست می‌دهند.

۳- دسته سوم

در احادیث اهل بیت و سیره جنگی آنان مواردی وجود دارد که دلالت بر جواز کشتن غیرمقاتلین از زنان و کودکان و غیره دارد. این می‌تواند مبنای جواز استفاده از سلاح هسته‌ای با وجود خصوصیت کشتار جمعی آن باشد که به تبع، باعث حکم به جواز تولید و انباشت نیز می‌شود. مانند این حدیثی که صاحب جواهر در این مورد آورده است: «عن النبی (ص) انه نصب علی اهل الطائف منجنيقاً و كان فيهم نساء و صبيان و خرب حصون بنی النظير و خبير و هدم دورهم»؛ سپس از دروس و روضه نقل نموده که پیامبر (ص) علاوه بر تخریب حصون بنی‌النظیر، آنها را آتش زد (نجفی، ۱۳۶۳: ۶۵).

این حدیث نص در حلیت قتل غیر مقاتلین است و بدون وجود هیچ احتمال دیگری بر مدعای ما دلالت می‌کند. همچنین است خبر حفص بن غیاث: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ الْحَرْبِ - هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُرْسَلَ عَلَيْهَا الْمَاءُ أَوْ تُحْرَقَ بِالنَّارِ - أَوْ تُرْمَى بِالْمَنْجَنِيقِ حَتَّى يُقْتَلُوا وَ مِنْهُمْ النِّسَاءُ - وَ الصِّبْيَانُ وَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْأَسَارَى مِنَ الْمُسْلِمِينَ - وَ التَّجَارِ فَقَالَ يُفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ وَ لَا يُمَسَّكَ عَنْهُمْ لَهُؤْلَاءِ - وَ لَا دِيَّةَ عَلَيْهِمْ لِلْمُسْلِمِينَ وَ لَا كَفَّارَةَ الْحَدِيثِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶۲).

ترجمه این خبر عبارتست از اینکه: «از امام صادق (ع) نسبت به یکی از بلادی که مربوط به کفار جنگجو است، سوال شد که آیا جایز است آب را به روی آنها باز کنیم تا به این وسیله همه آنها از بین بروند؟ آیا جایز است با منجنيق بر روی آنان آتش ریخت تا همه کشته شوند در حالی که در میان این اهالی، زنان، کودکان، پیران

و برخی از اسیرهای مسلمان وجود دارد؟ امام (ع) در جواب فرمودند: این کارها جایز است و به خاطر زنها و نظایر آن نمی‌توان دست از غلبه بر کفار برداشت و نسبت به کشته شدن زنان و کودکان هیچ کفاره و دیه‌ای نیست».

۴- دسته چهارم

این دلیل در حقیقت پاسخی است به قول کسانی که با تمسک به جنبه الهی-عاطفی اسلام می‌خواهند دلیل بر حرمت تسلیحات هسته‌ای در هر سه ساحت تولید، انباشت و استفاده آورند. خداوند متعال در آیه ۱۲۳ از سوره مبارکه توبه، به مومنین دستور داده است که باید با خشونت و غلظت با دشمنان برخورد کرده و این به حدی باشد که دشمنان این غلظت را به وضوح در رفتار مومنین بیابند. در نتیجه اگر دلیلی جز جنبه رحمانی اسلام بر حرمت نباشد می‌توان با این دلیل جواز آن را اثبات نمود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه، ۱۲۳).

رد استدلال: اول آنکه ادله حرمت منحصر در این مطلب نیست؛ همچنین باتوجه به این ادله متوجه می‌شویم که منظور از غلظت، کشتن غیرنظامیان و سایر آثار و تبعات سلاح هسته‌ای نیست؛ همانطور که علامه در میزان می‌فرمایند:

«معنای "غلظه" در جمله "وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً" شدت و سرسختی نشان دادن به خاطر خداست، و معنایش این نیست که با کفار خشونت و سنگدلی و بداخلاقی و قساوت قلب و جفا و بی‌مهری نشان دهید؛ زیرا این معنا با هیچ یک از اصول دین اسلام سازگار نیست و معارف اسلامی همه آن را مذمت و تقبیح کرده‌اند؛ آیات مربوط به جهاد هم از هر تعدی و ظلم و جفایی نهی کرده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۵۱).

۵- دسته پنجم

آیاتی که دال یا شاهد بر جواز مقابله به مثل با کفار بوده و قادرند جواز استفاده از تسلیحات هسته‌ای را در صورت استفاده دشمن یا آنچه در حکم استفاده است، اثبات نمایند. روشن‌ترین آنها از لحاظ دلالت، آیه ۱۹۴ از سوره مبارکه بقره است. خداوند در این آیه به روشنی و صراحت به مومنین اجازه داده است که در مقابل اعمال کفار، اقدام به مقابله به مثل نمایند که اطلاقش شامل هر چیزی حتی استفاده از تسلیحات هسته‌ای است.

«فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ» (بقره، ۱۹۴).

رد استدلال: هر چند این آیه در جواز مقابله به مثل اطلاق دارد، اما در سایر ادله قیودی برای این اطلاق وجود دارد؛ برای مثال اگر کفار اقدام به مثله کردن نظامیان اسلام کنند، اسلام اجازه مثله کردن آنان حتی بعنوان مقابله به مثل را نمی‌دهد؛ زیرا خشونت در اسلام بی حد و مرز نیست.

ادله حرمت

برای اثبات حرمت، سه دلیل از ادله اربعه را از یکدیگر تفکیک کرده و ذیل عناوین حرمت کشتار غیرنظامیان، حرمت خشونت افراطی نسبت به نظامیان و در آخر، نابود کردن آبادانی‌ها و کشتن جانداران بررسی می‌کنیم.

۱- ادله دال بر حرمت کشتار غیرنظامیان

قرآن: در این قسمت چند آیه وجود دارد که هر کدام حرمت را با عنوان خاصی مطرح می‌کنند. این آیات عبارتند از:

فساد در زمین: «وَ اِذَا تَوَلَّى سَعَى فِی الْاَرْضِ لَیُفْسِدَ فِیْهَا وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللّٰهُ لَا یُحِبُّ الْفُسَادَ: و هنگامی که برگردد (یا ریاستی یابد) کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند فساد را دوست ندارد» (بقره، ۲۰۵). قرآن در این آیه سخن از «سعی منتهی به فساد در حرث و نسل» ۱۴۱ به میان آورده است و حرمت را بر روی این عنوان قرار داده است؛ یعنی حتی مقدمات چیزی که باعث اهلاک نسل شود، مصداقی از فساد و حرام است؛ در نتیجه استفاده از تسلیحات هسته‌ای به جهت نسل‌کشی و به خصوص کشتن زنان که مولد نسل هستند، به طریق اولی مشمول حکم حرمت است.

قتل افراد غیرجنگی: قرآن در آیه ۸ از سوره ممتحنه می‌فرماید: «لَا یَنْهَاکُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِیْنَ لَمْ یُقَاتِلُوْکُمْ فِی الدِّیْنِ وَ لَمْ یُخْرِجُوْکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ اَنْ تَبْرُوْهُمْ وَ تَقْسِطُوْا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ» (ممتحنه، ۸). این آیه، دال بر حرمت قتل غیر مقاتلین است و نه تنها به ستیز با کفاری که در دین با ما مبارزه نمی‌کنند و یا مسلمانان را از سرزمین خود آواره نمی‌کنند دستور نمی‌دهد، بلکه ما را به نیکی کردن با آنان نیز تشویق می‌کند.

وقتی خداوند فرموده است که حق ندارید کسی را بکشید بدون اینکه آن فرد کسی را کشته باشد و یا فساد در زمین کرده باشد؛ بنابراین کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی که در صورت انفجار علاوه بر نظامیان، مردم عادی شهرها و مناطق جمعیتی را نابود خواهد کرد، به طریق اولی جایز نیست.

اسراف در قتل: «مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلَیْهِ سُلْطٰنًا فَلَا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ اِنَّهٗ كَانَ مَنصُورًا: کسی که مظلوم کشته شود ما حتماً برای ولی او تسلطی قرار داده‌ایم (که می‌تواند قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو

کند)، پس نباید در کشتن زیاده‌روی کند (شکنجه و مثله کند یا بیش از یک نفر را بکشد)؛ زیرا که او (به وسیله تشریح این حکم) یاری شده است (و شخص قصاص شده نیز در مقدار بیش از محکومیت، مورد یاری ما قرار دارد) «(الإسراء، ۳۳)». براساس این آیه حتی اگر کشتن در جایگاه خود باشد، باز هم می‌تواند عنوان اسراف پیدا کند که بارزترین مصداق اسراف در قتل، کشتار غیرنظامیان است.

اعتدا: اعتدا در مقاتله نیز مانند اسراف در قتل مود نهی قرار گرفته است. این عنوان شامل کشتار غیرمقاتلین می‌شود که در این آیه از قرآن مورد توجه مفسرین قرار گرفته است. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ: در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و از اندازه در نگذردید؛ زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» (بقره، ۱۹۰). همچنین می‌توان این آیه را نیز دال بر این اصل دانست: «فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱۹۴)؛ زیرا در این آیه عبارت «تقوا پیشه کنید» به معنای خودداری کردن از اعتدا و زیاده‌روی در قتل است. **قاعده وزر یا اصل شخصی بودن مجازات:** در کتب قواعد فقهیه که تاکنون به رشته تحریر درآمده است اعم از کتب قدما و متأخرین، این قاعده (وزر) تحت عنوان یک قاعده خاص فقهی و بطور مستقل مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است؛ البته فقها در کتب فقهی و در بین مباحث، حسب مورد به این قاعده توسل جستند. هر جا هم که به قاعده مزبور استناد شده دقیقاً به متن آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» (انعام، ۱۶۴) تمسک شده است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۵۹).

۱۴۲

مطابق قاعده وزر «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» دامنه مجازات نباید به کسانی کشیده شود که استحقاق آن را ندارند؛ بعبارت دیگر هیچ‌کس نباید دچار عواقب وزر و وبالی گردد که سبب آن از ناحیه دیگران ارتکاب یافته است. بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای، نفی و نقض این قاعده را به صورتی تکرار شونده و انبوه در پی دارد؛ از آن جهت که به شیوه‌ای گسترده و فارغ از تمایزگذاری، مجموعه وسیعی از انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد؛ بلکه حتی فراتر از نسل‌های فعلی بشر، حملات مرگبار سلاح‌های هسته‌ای متوجه نسل‌های آینده هم خواهد شد و تباهی آنها به صورت زایشی برای مجموعه گسترده‌ای از انسان‌ها در ابعادی فرانسلی پایدار خواهد ماند.

روایات: برای حرمت کشتار غیرنظامیان روایاتی وجود دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. از جمله بنابر قول ابی الوداک، امیرالمومنین علی (ع) در هنگام ارسال لشکر برای جنگ صفین خطاب به فرمانده لشکر، معقل بن قیس الریاحی فرمودند: «لَا تُقَاتِلْ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ: جز با آنکه با تو می‌جنگد، مجنگ!» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۲۸). این روایات دال بر حرمت قتل شخص غیرمقاتل است و احتمال دیگری در آن وارد نیست.

همچنین در روایتی، امام صادق (ع) در بیان نهی‌های پیامبر در جنگ‌ها می‌فرماید: «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ان یلقى السم فی البلاد المشرکین؛ و عن قتل النساء و الولدان فی دارالحرب، و عن الأعمی و الشیخ الفانی، و ما بیت عدوا قط فی لیل» (مغنیه، ۱۴۲۱: ۲۶۵).

در برخی از تاریخ‌های معتبر گفته شده که جمله فوق را رسول اله (ص) در جریان محاصره قلعه خیبر اظهار داشتند. هنگامی که محاصره مدتی طول کشید و به هیچ وجه راه ورود میسر نبود، شخصی از مسلمانان پیشنهاد کرد که راه آب آشامیدنی این قلعه تنها نهر آبی است که از بیرون وارد می‌شود؛ بنابراین بهترین راه برای پیروزی آن است که ما آب نهر را مسموم کنیم تا همه مردم بمیرند و ما به آسانی خواهیم توانست که پیروزمندانه وارد شویم. پیامبر (ص) فرمودند به هیچ وجه من اجازه نمی‌دهم؛ چون میان مردم شهر، زنان، کودکان و شهروندان پیر و بیمارند که کشتن آنان مجاز نیست؛ آنگاه بطور کلی بکار بردن سم برای عموم و جمع دشمن را ممنوع کردند (www.ettelaat.com).

اما برخی در سند این حدیث از آن جهت که سکونی واقع شده است اشکال کرده و بطور کلی این روایت را رها کرده‌اند؛ اما جواب اشکال این است که بیشتر رجالیون، سکونی را مقبول الروایه دانسته‌اند. شاهدش این است که شخصیت رجالی که معروف به سخت‌گیری در توثیقات است یعنی حضرت آیت‌اله خویی (ره) از این روایت، به معتبره سکونی تعبیر کرده است و طبق آن فتوا داده است (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۳۷۳). افزون بر این بسیاری از فقهای قدیم و معاصر طبق آن فتوا داده‌اند. در این میان بعضی سند را برای اثبات حرمت، ضعیف دانسته و از این رو فتوا به کراهت داده‌اند. بعضی بطور قطعی فتوای به حرمت داده‌اند اما بیشتر، این حرمت را مربوط به زمان اختیار دانسته و در حالت اضطرار، حرمتی برای القای سم قائل نبوده‌اند؛ یعنی اطلاق روایات را با ادله اضطرار تقیید زده‌اند.

۱۴۳

اما به نظر می‌رسد این پذیرفتنی نیست و اگر چه ظاهر این حدیث اطلاق دارد، اما باید بر طبق قواعد اصولی با دلیل مقید آن را تقیید زد؛ یعنی با ادله اضطرار باید بتوانیم این اطلاق را تقیید بنسیم؛ اما آیت‌اله خویی معتقدند که این اطلاق قابل تقیید نیست، زیرا رسول خدا (ص) با توجه به این جهات نیز نهی فرموده است؛ به عبارت دیگر مسئله القای سم، بیشتر در موارد ضرورت و اضطرار بوده است و رسول خدا (ص) با توجه به همین جهت نهی فرموده است و بطور کلی فرموده‌اند: «القای سم در بلاد مشرکین جایز نیست، حتی اگر پیروزی مسلمانان بر آن متوقف باشد»؛ به عبارت دیگر چنین روایتی به مثابه دلیل حاکم است و چنین دلیلی قابلیت تقیید را ندارد (www.fazellankarani.com).

همچنین شهید ثانی ریختن «سم» را اگر موجب قتل نفس محترم (اطفال، زنان و دیوانگان کفار و مسلمین که ممکن است در بلاد کفار باشند) شود، حرام شمرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۹۲). در این صورت سم خصوصیت ندارد بلکه هر سلاح کشتار جمعی که دارای چنین پیامدی باشد، کاربرد آن ممنوع خواهد بود. بنابراین در اولین قدم ثابت شد که اطلاق این روایت قابل تقیید نیست و این اطلاق، آبی از تقیید است. پس از اثبات حرمت القای سم، قدم دوم تعمیم دادن این روایت به مورد بحث ماست؛ بنابراین باید گفت منع و

نهی در این روایات هرچند در مورد سم وارد شده است اما ملاک نهی اختصاص به سم ندارد، بلکه شامل هر نوع سلاح کشتار جمعی نیز می‌شود؛ زیرا فرقی میان مسموم کردن آب، هوا و زمین با استفاده از دیگر سلاح‌های غیرمتعارف نیست، بلکه استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف مورد نظر، به مراتب هولناک‌تر است؛ بنابراین اگر در لسان مبارک رسول خدا (ص) کلمه سم آمده است، عنوان سم موضوعیت ندارد، بلکه اشاره به هر نوع سلاحی است که سبب کشتار افراد بی‌گناه در خارج از مناطق جنگی است. بر این مدعا می‌توان قرائن و شواهدی اقامه کرد؛ از جمله:

اول: وجود اولویت قطعی؛ اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از بمب اتمی و سلاح شیمیایی با آن وسعت مکانی و زمانی تأثیرگذاری به طریق اولی حرام است.

دوم: در خود روایت نامی از آب، هوا یا زمین برده نشده است بلکه حضرت بطور مطلق فرموده است که سم پاشیدن در سرزمین مشرکان (دشمن) ممنوع است، بنابراین شامل ابزارهای مسموم کننده زمین، هوا، آب و غیره می‌شود.

سوم: این نوع احکام جنبه تعبدی ندارد تا فقط سم دانسته شود و الغای خصوصیت جایز نباشد، بلکه از احکام توصلی است؛ بنابراین می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و به سلاح‌های کشتار جمعی که همانند سم بلکه در حد بیشتری سبب نابودی می‌شود تعدی کرد.

چهارم: ادله‌ای مانند آیه اعتدا که کشاندن جنگ را به غیرنظامیان ممنوع می‌کند؛ فرقی ندارد که این کار با مسموم کردن مناطق باشد یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و غیرمتعارف.

نتیجه این است که اطلاق این معتبره و همانند آن، بر حرمت استفاده از سم در مناطق جنگی دلالت دارد. بی‌شک سم خصوصیتی ندارد و می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و آن را به هر سلاح کشتار جمعی تعمیم داد. براساس همین روایت و مشابه آن که در کلمات ائمه (ع) آمده است، بسیاری از فقها پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیرجنگی را حرام دانسته‌اند.

عقل: عقل نیز می‌تواند اصل تفکیک را به ملاک قبح ذاتی اثبات نماید؛ زیرا این جزء فطریات بشر است که قتل غیرنظامیان را کاری زشت می‌داند و چه در زمان‌های گذشته و چه در دوره معاصر، همه انسان‌ها با ندای وجدان خویش مخالف قتل غیرنظامیان بوده و این کار را قبیح می‌شمردند. بنابراین عقل هم به ملاک ظلم و هم به ملاک فساد (هر چند که عنوان ظلم بر آن منطبق نباشد، زیرا عقل به ملاک فساد نیز قبح را درک می‌کند) این عمل را قبیح می‌داند و چنانچه قاعده ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع را بپذیریم، باید معتقد شد که این عمل در نزد شارع نیز حرام است. عقل استفاده را بطور مطلق حرام دانسته اما تولید و انباشت را در صورت نیاز برای بازدارندگی جایز می‌داند.

۲- ادله‌ای دال بر حرمت خشونت افراطی نسبت به نظامیان

الف) قرآن

اسلام به مسلمانان اجازه نمی‌دهد در مقابل رفتارهای ناشایست اهل باطل کنترل خود را از دست داده و دست به هر عملی بزنند، بلکه به آنان دستور داده است که در چنین حالتی جانب عقل و عدالت را از دست نداده و از رفتارهای افراطی خودداری نمایند. خداوند در آیه شریفه ۸ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَالتَّقْوَىٰ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (در هر کار فردی و اجتماعی) قیام کننده استوار و دائم برای خدا و گواهان به عدل و قسط باشید و هرگز دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و تقوا پیشه کنید که همانا خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است». مفاد این آیه شریفه نیز نشان می‌دهد کاربرد هر نوع سلاح و ابزار جنگی مانند سلاح‌های کشتار جمعی علیه دشمنان مجاز نبوده و رزمندگان اسلام نباید در جنگ، جانب عدالت و تعادل را از دست بدهند.

ب) روایات

منع استفاده از آتش در جنگ: از جمله مواردی که در روایات، منع و نکوهش شده استفاده از سلاح‌های آتش‌زا است. این روایات می‌تواند دلیل بر حرمت استفاده از ابزارهای غیرمتعارف باشد؛ زیرا مصادیق این نوع سلاح‌ها در عصر رسول خدا (ص) و ائمه (ع) بسیار ابتدایی بوده است ولی مصداق آن در زمان حاضر پیشرفته است؛ بنابراین روایات، شامل هر نوع وسیله آتش‌زا می‌شوند هر چند توسط ابزار هسته‌ای باشد. کیفیت استدلال به همان صورتی است که در مبحث ریختن سم گذشت. عبدالله ابن مسعود عن ابیه قال رسول الله (ص): «لَا تُعَدَّبُوا بِالنَّارِ فَإِنَّهُ لَا يُعَذَّبُ بِالنَّارِ إِلَّا رِبُّهَا: کسی را با آتش شکنجه نکنید، پس به درستی که کسی جزء پروردگار آتش با آتش عذاب نمی‌کند» (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۲۲۴). از این روایت استفاده می‌شود که مسلمانان در مقام غلبه و از بین بردن دشمن مجاز نیستند که از هر وسیله‌ای استفاده کنند؛ بعبارت دیگر مجاز نیستند کفار را بسوزانند. روشن است که استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به مراتب شدیدتر از سوزاندن است.

نهی از مثله کردن: در دین اسلام مثله کردن اعضای بدن انسان، مورد نهی واقع شده است. در این مورد روایات زیادی وجود دارد که هر چند سند روایات وارده از طرف امامیه مورد قبول و فتوای فقیهان است؛ ولی بیشتر این روایات این عمل را حمل بر کراهت کرده‌اند؛ در صورتی که بنابر اصول کلی اخلاق اسلامی، دال بر حرمت می‌باشند. امیر المومنین (ع) در نامه ۴۷ نهج البلاغه، فرزندانشان را از مثله کردن ابن ملجم نهی کردند و می‌فرمایند:

«إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَآلَ الْمُثَلَّةِ وَآلَ الْكَلْبِ الْعَقُورِ: هَمَانَا مِنْ أَسْمَاءِ رَسُولِ اللَّهِ» شنیدم که فرمودند: بپرهیزید از مثله کردن حتی در مورد سگ درنده» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۶۲). وقتی امام (ع) این حکم را در مورد برخورد با قاتل خود می‌فرمایند، بنابراین به طریق اولی در مورد سایر کفار نیز حکم حرمت جاری است.

همچنین در خبر جمیل و محمد بن حمران از امام صادق (ع) آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً أَمِيرَهَا فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِهِ وَأَجْلَسَ أَصْحَابَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا تَغْدُرُوا وَ لَا تَعْلُوا وَ لَا تَمْتَلُوا وَ لَا تَقْتُلُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تَضْطُرُّوا إِلَيْهَا وَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًّا وَ لَا صَبِيًّا وَ لَا امْرَأَةً: هرگاه پیامبر (ص) لشکری را اعزام می‌نمود، فرمانده را کنار خود می‌خواند و اصحاب را روبروی خود می‌نشاند و می‌فرمودند: «به نام خدا و با استعانت از خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا حرکت کنید. نیرنگ مزیند، زیاده‌روی مکنید، مثله مکنید و درختی را قطع مکنید مگر اینکه مضطر شوید، پیران و بچه‌ها و زنان را مکشید» (برقی، ۱۳۷۱: ۳۵۵).

این روایت بر حرمت مثله کردن بدن در میدان جنگ دلالت می‌کند؛ وقتی مثله کردن یک انسان که باعث مرگ زجر آورش در مدت زمان کوتاهی می‌شود، مورد نهی قرار می‌گیرد، پس به طریق اولی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نیز به علت ایجاد بیماری‌های مزمن در افراد باقی مانده و نسل‌های بعد جایز نخواهد بود.

۳- ادله‌ای دال بر حرمت نابود کردن آبادانی‌ها و کشتن جانداران

قرآن: آیه «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» که در بحث پیشین دلیل بر مدعا شد، در اینجا نیز به دلیل وجود عبارت «اهلاک حرث» دال بر حرمت تخریب محصولات کشاورزی و به طریق اولی قابلیت کشت و کار زمین می‌باشد؛ علاوه بر این باتوجه به اهتمام اسلام به آبادانی‌ها، می‌توان تخریب بناها را نیز مصداقی از فساد مذکور در آیه دانست که خود وجهی مستقل برای حرمت است. **روایات:** در روایات از تخریب آبادانی‌ها و کشتن جانداران نهی شده است. در روایت مسعده بن صدقه آمده است: امام صادق (ع) فرمودند: پیامبر اکرم (ص) هنگامی که می‌خواست فرماندهی را عازم سربهای سازد او را به رعایت تقوا توصیه می‌کرد، سپس خطاب به اصحاب خویش می‌فرمود: «اغزوا بسم الله و فی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله ... و لا تُحرقوا النخل و لا تُغرقوه بالماء و لا تقطعوا شجره مثمرة و لا تحرقوا زرعاً ... درختان خرما را آتش مزیند و در آب غرق مکنید، درختان میوه را قطع مکنید و مزارع را آتش مزیند!» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۸).

همچنین امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «اتقوا الله فی عباده و بلاده فأنکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم: از خدا بترسید و بندگان خدا را اذیت مکنید و شهرها را تباه مکنید؛ شما همه مسئولید حتی نسبت

به ساختمان‌ها و چارپایان» (طباطبائی، پیشین: ۱۹۹). وقتی این روایات دلالت بر حرمت کشتن جانداران و تخریب آبادانی‌ها و غیره می‌کنند، پس به طریق اولی نیز بکارگیری سلاحی که یکجا همه چیز را نابود می‌کند، حرام می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری از این مباحث در سه عرصه استفاده، تولید و انباشت بررسی می‌شود: از آنچه گذشت نتیجه گرفته شد که استفاده از این نوع تسلیحات مورد نهی شارع قرار گرفته و براساس آیات، روایات و دلیل عقل حرام است؛ زیرا سلاح هسته‌ای مصداق اهلاک حرث و نسل در قرآن است و همچنین استفاده از آن دارای مناط حرمت مواردی مانند القاء سم و رمی به آتش و موارد مشابه است. در مورد تولید باید گفت که باتوجه به حکم حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، تولید نیز به دلیل هزینه‌های اقتصادی چشمگیر و اسراف‌ی که در پی دارد، همچنین دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و ایجاد ناامنی و از بین بردن آرامش فکری ابنای بشری حرام است. مطالعات استراتژیک نشان می‌دهد که انباشت سلاح‌های هسته‌ای، گامی به سوی بهره‌گیری از آنها است. همین مطالعات بیانگر آن است که به محض نخستین بهره‌گیری از این سلاح‌ها، بهره‌گیری‌های بعدی بگونه‌ای پیوسته و در قالبی کنترل‌ناپذیر سبب شعله‌ور شدن آتش جنگی می‌شود که نتیجه آن تحقق فسادی بسیار پردامنه در زمین است. حکم انباشت تابع حکم تولید است زیرا بین جواز تولید و جواز نگهداری ملازمه^{۱۴۷} عقلی وجود دارد؛ چرا که نمی‌توان تصور کرد که تولید چیزی جایز بوده اما انباشت و نگهداری آن جایز نباشد؛ چنین کلامی بدین معناست که مسلمانان اجازه دارند اقدام به تولید سلاح هسته‌ای کنند، اما پس از تولید بلافاصله باید آن را نابود کنند که این با عقل سلیم سازگار نمی‌باشد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن‌منظور، ابوالفضل (۱۳۷۵)، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۳- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، **المحاسن**، قم: دارالکتب الإسلامیة.
- ۴- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم: موسسه آل‌البیت (ع).
- ۵- حسینی جرجانی، امیر ابوالفتح (۱۴۰۴)، **آیات الأحکام**، تهران: انتشارات نوید.

۶- راعی دهقی، مسعود (۱۳۹۳)، «ممنوعیت تولید سلاح هسته‌ای براساس مذهب شیعه»، کنفرانس بین‌المللی حقوق و سیاست.

۷- سید رضی، محمد (۱۴۱۴)، **نهج البلاغه**، قم: موسسه نهج البلاغه.

۸- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳)، **مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الإسلام**، قم: موسسه المعارف الإسلاميه.

۹- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، **تهذيب الأحكام** (تحقیق خراسان)، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلاميه.

۱۰- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، **تفسیر المیزان**، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۱- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، **بحار الأنوار**، بیروت: موسسه الوفا.

۱۲- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶)، **قواعد فقه**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۱۳- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱)، **فقه الإمام الصادق علیه السلام**، قم: موسسه انصاریان.

۱۴- ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، **حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی**، تهران: انتشارات دادگستر.

۱۵- موسوی خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰)، **منهاج الصالحین**، قم: مدینه العلم.

۱۶- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۳)، **جواهر الکلام** (کتاب الجهاد)، بیروت: دارالإحیاء التراث العربی.

۱۷- دفتر حفظ نشر و آثار حضرت آیه‌اله العظمی خامنه‌ای (۱۳۸۳)، «دیدار دست‌اندرکاران جهاد دانشگاهی با رهبر

انقلاب». www.farsi.khamenei.ir

۱۸- دفتر حفظ نشر و آثار حضرت آیه‌اله العظمی خامنه‌ای (۱۳۸۹)، «پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح

هسته‌ای و عدم اشاعه». www.farsi.khamenei.ir

۱۹- غفوری، قاسم (۱۳۹۳)، «نگاهی بر ظرفیت‌های دفاعی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، توان نظامی ایران

ضامن امنیت منطقه». www.siasatrooz.ir

۲۰- پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیه‌اله حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی (۱۳۹۴)، «بررسی فقهی سلاح‌های کشتار

جمعی». www.fazellankarani.com

۲۱- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۲)، «نگاهی از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی به کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی».

www.ettelaat.com

۲۲- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیه‌اله العظمی مکارم شیرازی (۱۳۹۴)، «همه علما در مخالفت با تولید سلاح

هسته‌ای با رهبر انقلاب همصدا هستند». www.makarem.ir